

ضوابط تحديد الدية والأرش في فرض علاج كسر العמוד الفقري؛

تأمل في المادة ٦٤٧ من قانون العقوبات الإسلامي^١

محمد جواد محمدي^٢

الملخص

يعد كسر العמוד الفقري من الجنايات التي تترتب عليها أحكام متعددة في فقه الديات والقوانين الوضعية. ووفقاً للنصوص الروائية، فإن مقدار دية كسر العמוד الفقري في فرض الجبر أي البرء من غير عيب يبلغ مائة دينار، وفي حال حدوث عيب يعادل دية النفس كاملة. كما تنص المادة ٦٤٧ من قانون العقوبات الإسلامي، تبعاً للفقه الإمامي، على أن كسر العמוד الفقري إذا لم يعالج يوجب الدية الكاملة، وفي حال علاجه من غير عيب يوجب عشر الدية الكاملة. ومع ذلك، فإن الغموض المكتنف لتفاصيل عملية العلاج قد أسفر عن بروز تحديات في معيار تحديد الدية أو الأرش، ومن هذه التحديات مدى شمول الدية للعوارض الثانوية، وشأنية العلاج أو فعليته، وموقف التدخلات الطبية الحديثة كاستخدام البدائل الصناعية. ويهدف هذا المقال إلى تبين مراد المشرع من مفردة الجبر في النصوص، ومفردة العلاج في القانون، وذلك من خلال دراسة المتون الروائية والفقهية. وتظهر نتائج البحث أن المراد من الجبر هو قابلية التئام العظم، ومن هنا فإن حكم زرع البدائل الصناعية موضع الفقرة يختلف بحسب الموارد، ويمكن أن يندرج تحت حكم الدية أو الأرش.

الكلمات المفتاحية: علاج كسر العמוד الفقري، كسر العמוד الفقري، العثم، دية كسر العמוד الفقري، المادة ٦٤٧ من قانون العقوبات الإسلامي.

١. تاريخ الاستلام: ٨ ذي القعدة ١٤٤٦

٢. تاريخ الموافقة: ٢٥ شعبان ١٤٤٧
مدرس السطوح العليا في الحوزة العلمية بقم وعضو في هيأت الفقه الجزائري بالمؤسسة العليا للفقه والعلوم الإسلامية.
mjmmohammadi62@gmail.com

ضوابط تعیین دیه و ارش در فرض درمان شکستگی ستون فقرات؛

تأملی در ماده ۶۴۷ قانون مجازات اسلامی^۱

محمد جواد محمدی^۲

چکیده

شکستن ستون فقرات از جمله جنایاتی است که در فقه دیات و قوانین موضوعه، احکام متعددی دارد. مطابق نصوص روایی، میزان دیه شکستن ستون فقرات، در فرض جبر (بهبود) بدون عیب، صد دینار و در صورت بروز عیب، معادل دیه کامل نفس است. ماده ۶۴۷ قانون مجازات اسلامی نیز به پیروی از فقه امامیه مقرر می‌دارد که شکستن ستون فقرات در صورتی که درمان نشود، موجب دیه کامل و در صورت درمان بدون عیب، موجب یک‌دهم دیه کامل خواهد بود. باین حال، ابهام در جزئیات فرآیند درمان، سبب بروز چالش‌هایی در معیار تعیین دیه یا ارش شده است؛ چالش‌هایی نظیر شمولیت دیه نسبت به عوارض ثانویه، قابلیت یا فعلیت درمان و وضعیت دخالت‌های پزشکی مدرن مانند استفاده از پروتز. این مقاله با هدف تبیین مقصود قانون‌گذار از واژه «جبر» در نصوص و «درمان» در قانون، به مطالعه متون روایی و فقهی می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مقصود از «جبر»، قابلیت التیام استخوان است؛ ازاین‌رو، حکم جای‌گذاری پروتز به جای مهره، حسب مورد، متفاوت بوده و می‌تواند مشمول حکم دیه یا ارش قرار گیرد.

واژگان کلیدی: درمان شکستن ستون فقرات، شکستگی ستون فقرات، عثم، دیه شکستن ستون فقرات، ماده ۶۴۷ قانون مجازات اسلامی.

۱. تاریخ دریافت: ۴۰۴/۲/۱۶

۲. تاریخ تأیید: ۴۰۴/۱۱/۲۵

۲. مدرس سطوح عالی حوزه علمیه قم و عضو گروه فقه جزا مرکز پژوهشی مؤسسه عالی فقه و علوم اسلامی.
mjmmohammadi62@gmail.com

مقدمه

یکی از مسائل مهم و پیچیده در موضوع صدمات ستون فقرات، مسأله «درمان» است. بر اساس روایات و فتاوی فقیهان - که در ادامه مباحث به آن اشاره خواهد شد - شکستگی ستون فقرات در فرض درمان، صد دینار، و در فرض عدم درمان، موجب دیه کامل نفس است. ماده ۶۴۷ قانون مجازات اسلامی نیز درباره شکستگی ستون فقرات، بارها به فرض درمان اشاره کرده است؛ به عنوان نمونه در بند «الف» و «ت» ماده مذکور آمده است: «الف - شکستن ستون فقرات در صورتی که اصلاً درمان نشود و یا پس از علاج به صورت خمیده درآید، موجب دیه کامل نفس است. ت - شکستن ستون فقرات که بدون عیب درمان شود، موجب یک‌دهم دیه کامل نفس است.»

باین حال در هیچ‌یک از مواد قانون مجازات اسلامی، تعریف روشنی از واژه درمان ارائه نشده است. همچنین پیرامون چالش‌های درمان شکستگی، نه در متون فقهی و نه در نوشتارهای پژوهشی، بحث درخوری دیده نمی‌شود. هرچند درباره صدمات ستون فقرات تاکنون مقالاتی منتشر شده است، اما جستارهای یادشده ناظر به موضوعات دیگری است؛ مسائلی همچون میزان دیه صدمات مختلف ستون فقرات نظیر شکستگی، موضعه، دررفتگی و خردشدن^۱، یا تداخل و عدم تداخل دیات در فرض تعدد شکستگی^۲ و یا میزان دیه اختصاصی ترک خوردن و خردشدن ستون فقرات.^۳

تفاوت میزان دیه در فرض درمان و ابهام‌های موجود پیرامون قلمرو آن، ایجاب می‌کند که این واژه و سایر واژگان همسو، واکاوی مفهومی شده و مقصود از تعبیر موجود در روایات و نیز ماده ۶۴۷ قانون مجازات اسلامی روشن شود. بخش قابل توجهی از پرسش‌های مطرح شده از سوی مراجع قضایی و پزشکی قانونی در مبحث صدمات ستون فقرات، ناشی از ابهام در

۱. شاکر، صدیق آخا، «تأملی در دیه صدمات وارده بر ستون فقرات»، پژوهش‌های حقوق کیفری، سال ششم، شماره ۲۳، تابستان ۱۳۹۷ ش.

۲. احسانی فر، «دیه شکستگی مهره‌های متعدد ستون فقرات»، مجله دین و قانون، شماره ۳۶، تابستان ۱۴۰۱ ش.

۳. پورصدقی، موسوی، «بررسی فقهی و حقوقی حکم خردشدگی و ترک خوردگی ستون فقرات»، پژوهش‌های فقهی مسائل مستحدثه، دوره یکم، شماره ۱، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ ش.

مفهوم درمان و قلمرو آن است. به عنوان نمونه، آیا درمان شکستگی ناظر به التیام ساختار استخوانی است یا شامل رفع همه عوارض و زوال منافع ناشی از شکستگی نیز می‌شود؟ همچنین، مقصود از درمان، قابلیت درمان است یا فعلیت آن؟ اگر بیمار پیش از درمان کامل از دنیا برود، دیه شکستگی در فرض درمان به او تعلق می‌گیرد یا عدم درمان؟ افزون بر آن، آیا دخالت‌های غیرطبیعی پزشکی، مانند جایگزینی مهره با پروتز، درمان محسوب می‌شود یا خیر؟

پاسخ‌گویی به پرسش‌های یادشده و موارد مشابه، نیازمند بازبینی ادله و روایات وارده پیرامون شکستگی ستون فقرات و تدقیق در معنای آن است. شرح ماده ۶۴۷ در رابطه با درمان نیز، افزون بر دقت نظر در استظهار از این ماده، مستلزم بازبینی سایر مواد قانونی مرتبط و مقارنه آن‌ها در راستای استخراج مقصود قانون‌گذار است. این مقاله با هدف کشف مقصود شارع و قانون‌گذار از عبارت «درمان شکستگی» (جبر، علاج و سایر واژگان همسو)، به مطالعه و بررسی متون روایی و قانونی و به طور خاص، تحلیل و تفسیر ماده ۶۴۷ قانون مجازات اسلامی می‌پردازد. شیوه پژوهش در این مقاله، تحلیلی-اجتهادی و گردآوری محتوا به روش کتابخانه‌ای است؛ ازاین‌رو در ادامه، پس از نقل احادیث و مواد قانونی مرتبط، به تحلیل، تفسیر و تحدید واژه «درمان» در محدوده شکستگی ستون فقرات پرداخته و تلاش می‌شود به پرسش‌های کلیدی این حوزه پاسخ داده شود.

مفهوم شناسی

واژه «کسر»؛ ابن فارس در بیان معنای ریشه واژه «کسر» می‌گوید: کاف، سین، راء، در اصل به معنای هشتم الشیء و هضمه است.^۱ «هشم» به معنای شکستن است.^۲ همچنین به شکسته علف خشک و چوب، «هشیم» می‌گویند: «فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيحُ».^۳ ابن منظور، هشم را به معنای شکستن شیء توخالی و خشک می‌داند.^۴ هضم نیز به

۱. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۱۸۰.

۲. قرشی، قاموس قرآن، ج ۸، ص ۱۵۶.

۳. سورة كهف، آیه ۴۵.

۴. مصری، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۶۱۱.

معنای شکستن آمده است.^۱ بنابراین «هشم الشیء و هضمه» به معنای خرد کردن و شکستن شیء است. ازدی که در لغت نامه خود، علاوه بر معنای لغوی، به جنبه طبی لغات نیز توجه داشته است، درباره معنای «کسر» می گوید: کسر به معنای جدا شدن و تفرق اتصال خاصی است که در استخوان وجود دارد. این تفرق گاهی در عرض استخوان، و گاه در طول استخوان است. تشخیص وقوع شکستگی و تفرق با چشم و لمس قابل شناسایی است.^۲ در دانش پزشکی، «شکاف در استخوان‌ها» را شکستگی می‌دانند. شکستگی ممکن است در امتداد استخوان یا به شکل مورب یا در عرض آن باشد که به ترتیب مارپیچی، مورب و عرضی نامیده می‌شود.^۳

واژه «جبر»؛ هرگاه این واژه نسبت به «کسر عظم» به کار رود، به معنای برطرف شدن شکستگی، التیام شکستگی استخوان و اصلاح آن است.^۴ زمخشری جبر العظم را به معنای بسته شدن استخوان می‌داند.^۵ فیروزآبادی نیز جبر را به معنای ضد کسر دانسته است.^۶؛ بنابراین جبر العظم وقتی استعمال می‌شود که شکستگی و تفرق استخوان از بین برود و استخوان به هم جوش بخورد.

واژه «عیب»؛ بسیاری از لغت‌دانان وارد معنای عیب نشده‌اند و به بیان مشتقات آن پرداخته‌اند. برخی نیز تصریح کرده‌اند که معنای عیب، واضح و شناخته شده است؛ به همین خاطر هنگام بیان معنای مشتقات نیز از همین واژه کمک گرفته‌اند. «عاب الشیء» یعنی «ظهر فیه عیب، صار ذا عیب».^۷ ابن سیده «عیب» را به معنای «وصمة» دانسته^۸ که به معنای عار، شکسته‌شده،

تألیف
پروفسور

ضوابط تعیین دهنه و ارش در فرض در مان شکستگی فقرات

۱. زمخشری، أساس البلاغة، ص ۷۰۳؛ بستانی، فرهنگ ابجدی، ج ۱، ص ۹۵۹.

۲. ازدی، کتاب الماء، ج ۳، ص ۱۱۱۲.

۳. گودرزی، کیانی، پزشکی قانونی، صص ۲۵۳-۲۵۴.

۴. جوهری، صحاح اللغة، ج ۲، ص ۶۰۷؛ فیومی، المصباح المنیر، ص ۸۹؛ اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ج ۱، ص ۱۸۳؛ هروی، الغریب المصنف، ج ۱، ص ۲۳۹.

۵. زمخشری، مقدمة الأدب، ص ۲۱۲.

۶. فیروزآبادی، القاموس المحيط، ج ۲، ص ۳۵.

۷. ابن فارس، معجم مقایس اللغة، ج ۴، ص ۱۸۹؛ فراهیدی، العین، ج ۲، ص ۲۶۳؛ ازهری، تهذیب اللغة، ج ۳، ص ۱۵۰؛ اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۵۹۲؛ حمیری، شمس العلوم، ج ۷، ص ۴۸۴۵؛ و دیگران.

۸. ابن سیده، المحکم و المحيط الأعظم، ج ۲، ص ۲۶۰.

مرض، شین، سوء و خزی آمده است.^۱ طریحی درباره این واژه می‌گوید: عیب، عبارت است از هرچه که بیشتر یا کمتر از مجرای طبیعی باشد، مانند داشتن یک انگشت اضافه یا فقدان یکی از انگشتان.^۲ نظیر این بیان در برخی منابع دیگر نیز آمده است.^۳ به نظر می‌رسد این تفسیر از روایت سیاری اخذ شده است.^۴ واژه «عثم»؛ این واژه به معنای بدجوش خوردن استخوان است؛ به گونه‌ای که استخوان کج شده یا پس از جوش خوردن دچار ورم شود.^۵ درباره معنای این واژه اختلاف نظر خاصی در کتب لغت دیده نمی‌شود.

درمان شکستگی در ادبیات روایی

از میان روایات خاصه‌ای که در رابطه با دیه شکستگی ستون فقرات وارد شده است، دو روایت به فرض درمان و میزان دیه آن اشاره دارد:

أ. روایت ظریف:

«وَإِنْ كُسِرَ الصُّلْبُ فَجُبِرَ عَلَى غَيْرِ عَثَمٍ وَلَا عَيْبٍ فَدِيَّتُهُ مِائَةُ دِينَارٍ فَإِنْ عَثَمَ فَدِيَّتُهُ أَلْفُ دِينَارٍ»^۶ اگر استخوان پشت شکسته شود و شکستگی بدون عثم و عیبی التیام یابد، دیه آن یکصد دینار، و اگر التیام همراه با عثم باشد، دیه آن هزار دینار است.

این روایت مهم‌ترین و مفصل‌ترین روایت باب دیات است. کلینی با چهار سند، شیخ صدوق با یک سند و شیخ طوسی با هفت سند این روایت را نقل کرده‌اند. برخی از اسناد یاد شده صحیح و برخی موثق است. به عنوان نمونه:

۱. ابن درید، *جمهرة اللغة*، ج ۲، ص ۸۹۹؛ *ازهری، تهذیب اللغة*، ج ۱۲، ص ۱۸۳؛ *طریحی، مجمع البحرين*، ج ۶، ص ۱۸۴؛ و دیگران.
۲. *طریحی، مجمع البحرين*، ج ۲، ص ۱۳۰.
۳. *قرشی، قاموس قرآن*، ج ۵، ص ۷۱.
۴. *کلینی، الکافی*، ج ۵، ص ۲۱۶.
۵. *فراهیدی، کتاب العین*، ج ۲، ص ۱۱۳؛ *کتاب الجیم*، ج ۲، ص ۲۵۸؛ *ابن درید، جمهرة اللغة*، ج ۱، ص ۴۲۷؛ *ازهری، تهذیب اللغة*، ج ۲، ص ۲۰۲؛ *ازدی، کتاب الماء*، ج ۳، ص ۸۶۳؛ *جزری، النهاية في غريب الحديث والأثر*، ج ۳، ص ۱۸۳.
۶. *خمینی، تهذیب الأصول*، ج ۱۰، ص ۳۰۴.

«عدة من اصحابنا (مشايخ الكليني) عن سهل بن زياد عن علي بن فضال عن الحسن بن الجهم قال عرضته على ابي الحسن الرضا»^۱؛

«علي بن ابراهيم عن محمد بن عيسى عن يونس عن ابي الحسن الرضا»؛

«علي بن ابراهيم عن ابيه عن ابن فضال عن ابي الحسن الرضا»^۲.

راویان مذکور در اسناد بالا همگی از مشاهیر بوده و ثقه هستند.^۳ ابراهیم بن هاشم نیز هرچند توثیق صریح ندارد، اما به قرائن متعدد ثقه است؛ از جمله اینکه نجاشی وی را نخستین کسی می‌داند که به نشر حدیث در قم پرداخته^۴، و منشأ نشر حدیث در قم بودن خود دلالت بر عظمت و وثاقت ابراهیم بن هاشم دارد. افزون بر این، کثرت نقل اجلائی چون علی بن ابراهیم و محمد بن حسن صفار و محمد بن احمد بن یحیی بن عمران اشعری، در مسائل فراوان، اعم از احکام الزامی و امور اعتقادی موجب اطمینان به وثاقت ایشان می‌شود.

ب. روایت دعائم الاسلام:

«أَنَّ (أمير المؤمنين علي عليه السلام) قَضَى فِي الصُّلْبِ إِذَا كُسِرَ فَلَمْ يَنْجَبِرِ الدِّيَةَ كَامِلَةً وَكَذَلِكَ إِنْ انْجَبَرَ عَلَى عَثَمِ أَيْ احْدَوْدَبَ فَفِيهِ الدِّيَةُ كَامِلَةٌ فَإِنْ انْجَبَرَ عَلَى غَيْرِ عَيْبٍ فَلَدِيَّتُهُ مِائَةُ دِينَارٍ»^۵؛

امیرالمؤمنین درباره استخوان پشت، هرگاه شکسته شود و التیام نیابد، حکم به دیه کامل کرده‌اند و همچنین (حکم به دیه کامل کردند) اگر التیام یابد، ولی همراه با عثم باشد، یعنی خمیده شود. اگر شکستگی بدون عیب التیام یابد، حکم به صد دینار کرده‌اند.

این روایت به لحاظ سندی ضعیف و مرسله است؛ زیرا سند متصلی برای آن ذکر نشده است. بااین حال، با وجود ضعف سند روایت دعائم، مسئله بهبودی با تکیه بر روایت ظریف تبیین می‌شود؛ هرچند روایت دعائم نیز از نظر محتوایی با روایت ظریف شباهت بسیار دارد.

مطابق روایت ظریف، هرگاه ستون فقرات شکسته شود و ناحیه شکسته بدون هیچ عیب و عثمی التیام یابد، دیه آن صد دینار است؛ اما اگر استخوان شکسته پس از علاج دچار عثم

۱. کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۳۲۴.

۲. همان؛ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۱۰، ص ۲۹۵.

۳. نجاشی، رجال، صص ۱۶، ۲۶۰، ۳۳۳، ۴۴۶؛ طوسی، رجال، صص ۳۴۶، ۳۵۴.

۴. نجاشی، رجال، ص ۱۶.

۵. مغربی، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۴۳۶.

شده و به اصطلاح بدجوش بخورد، موجب دیه کامل نفس خواهد بود. به قرینه اکتفا به واژه «عثم» در بخش دوم روایت ظریف، روشن می‌شود که «عیب» در بخش نخست روایت (غیر عثم و لاعیب)، عطف تفسیری عثم بوده و معنای افزونی ندارد؛ وگرنه لازم بود در بخش دوم نیز این واژه تکرار شده و گفته شود: «فإن جبر علی عثم أو عیب»، درحالی که تنها واژه عثم بیان شده است. افزون بر این، عبارت «غیر عثم و لاعیب» مختص به شکستن ستون فقرات نیست؛ بلکه از عبارات پرتکرار در روایت ظریف است که در بسیاری از فقرات دیات شکستگی، مانند مطلق استخوان‌ها، ترقوه، بازو، آرنج، کف دست، پشت، ران پا و قدم ذکر شده است. بااین حال، در هیچ‌یک از این روایات، واژه «عیب» در بخش دوم تکرار نشده است.^۱ تنها در سه مورد، صورت دوم نیز بیان شده و در این سه مورد نیز تنها واژه «فإن عثم» یا «فإن عثمت» بدون ضمیمه «عیب» آمده است.^۲ اگر بروز مطلق عیب، تأثیری در تغییر دیه شکستگی داشت، جا داشت در این فقره و نیز سایر فقرات به آن اشاره شود.^۳

بااین حال حتی اگر عیب در اینجا به همان معنای عثم تفسیر نشود، باز به نظر می‌رسد تأثیری در معنای منتخب ندارد؛ زیرا در عبارت «فجبر علی غیر عثم و لاعیب»، قید بدون عیب بودن، متعلق به «فجبر» است. بنابراین مقصود، نفی عیب در ناحیه التیام شکستگی است؛ یعنی این التیام شکستگی، التیامی همراه با عیب باشد. به طور معمول، عیب در ناحیه شکستگی، کج جوش خوردن یا ورم در ناحیه جوش خورده است. در عیوبی که بر اثر شکستگی در نواحی دیگر ایجاد شود، این تعبیر به کار برده نمی‌شود؛ مثلاً اگر بر اثر شکستگی، مجنی علیه توان انزال یا نگهداری ادرار خود را از دست دهد، نمی‌گویند: «جبر العظم علی عیب»؛ چون فرض این است که استخوان به طور کامل التیام پیدا کرده و تفرق استخوان از بین رفته است. بنابراین مقصود از بهبودی شکستگی ستون فقرات که موجب دیه به میزان صد دینار است، این است که شکستگی استخوان به طور کامل التیام یابد و استخوان شکل اولیه خود را بازیابد؛ بی آن که در ناحیه شکستگی، ورم باقی بماند یا استخوان کج جوش بخورد.

۱. طوسی، تهذیب، ج ۱۰، صص ۲۹۷-۳۰۸.

۲. همان، صص ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷.

۳. این سخن، منافاتی با تعیین دیه جداگانه برای عیب حادث شده (اگر عارضه و زوال منفعت مستقلی به شمار رود) ندارد؛ آنچه در اینجا نفی شده تغییر میزان دیه شکستگی به خاطر بروز عیب است.

در نقطه مقابل، موضوع دیه کامل عبارت است از اینکه شکستگی به طور صحیح التیام پیدا نکند و بدجوش بخورد؛ یعنی به همراه انحراف و کجی یا ورم باشد. لازم به یادآوری است که تعلق صد دینار به شکستگی در فرض التیام استخوان، تنها ناظر به صدمه شکستگی است و دیه سایر عوارض ناشی از شکستن (مانند عجز از راه رفتن یا توانایی جنسی یا...) حسب مورد، دارای دیه یا ارش خواهد بود.

تفسیر درمان در ماده ۶۴۷

واژه «درمان شکستگی» و عبارات همسو با آن بارها در ماده ۶۴۷ تکرار شده است: «ماده ۶۴۷- دیه شکستن ستون فقرات به ترتیب ذیل است:

الف- شکستن ستون فقرات در صورتی که اصلاً درمان نشود و یا پس از علاج به صورت خمیده درآید، موجب دیه کامل است.

ب- شکستن ستون فقرات که بی عیب درمان شود ولی موجب از بین رفتن یکی از منافع گردد، مانند اینکه مجنی علیه توان راه رفتن یا نشستن نداشته باشد و یا توان جنسی یا کنترل ادرار وی از بین برود، موجب دیه کامل است.

پ- شکستن ستون فقرات که درمان نشود و موجب عوارضی از قبیل موارد مندرج در بند (ب) شود، علاوه بر دیه کامل شکستگی ستون فقرات، موجب دیه یا ارش هریک از عوارض حاصله نیز است.

ت- شکستن ستون فقرات که بدون عیب درمان شود، موجب یکدهم دیه کامل است.»

با توجه به آنچه در تفسیر روایات گفته شد و قرینه موجود در این ماده - که در ادامه به آن اشاره می شود -، به نظر می رسد که مقصود از درمان در این ماده، التیام و جوش خوردن استخوان است. بنابراین درمان شکستگی منافاتی با زوال منافع و بروز عیب در سایر اعضای بدن ندارد. بر این اساس، اگر شکستگی ستون فقرات سبب از بین رفتن قدرت راه رفتن یا کنترل ادرار شود و پس از آن، شکستگی التیام یابد و استخوان جوش بخورد، مطابق ادبیات این ماده، شکستگی درمان شده است؛ حتی اگر همچنان فرد توان راه رفتن و کنترل ادرار را نداشته باشد. شاهد بر سخن، آن است که مفروض در بند «ب» این است که شکستگی ستون فقرات بدون عیب درمان شده، در عین حال برخی منافع از بین رفته است؛ مثلاً فرد توان راه رفتن ندارد. این

مباحثات

در ارتباط تعیین دیه و ارش در فرض شکستگی فقرات

قرینه به وضوح حاکی است که مقصود از عیب، عیب در ناحیه استخوان شکسته است و بروز عوارض و زوال منافع، به معنای درمان شکستگی همراه با عیب نیست. بنابراین درمان بی عیب شکستگی به معنای التیام و جوش خوردن کامل مهره ستون فقرات است و اینکه پس از التیام استخوان، در ناحیه شکستگی عیب و نقصی نباشد.

در مقابل این استظهار، برداشت دیگری که ممکن است از ماده مزبور استفاده شود این است که عبارت «اصلاً درمان نشود» در آغاز بند «الف»، به این معنا باشد که شکستگی به قدری شدید است که نمی‌توان روی آن عملیات پزشکی انجام داد و قابلیت درمان ندارد. در نقطه مقابل این احتمال، چهار فرض دیگر قابل تصویر است:

فرض یکم: اینکه شکستگی کاملاً درمان شده و هیچ نقص و عارضه‌ای نیز به جای نگذارد؛ این فرض در بند «ت» بیان شده است.

فرض دوم: اینکه شکستگی درمان شود، ولی همراه با عیب یا عوارض باشد؛ مثلاً پس از شکستگی، استخوان کج شود یا توان راه رفتن را از دست بدهد. این فرض در ذیل بند «الف» و بند «ب» بیان شده است.

فرض سوم: اینکه شکستگی التیام نیابد و علاوه بر این، موجب عوارض دیگر نیز بشود؛ این فرض نیز در بند «پ» بیان شده است.

فرض چهارم: این است که شکستگی التیام پیدا نکند، ولی هیچ عارضه و زوال منفعتی هم به جای نگذارد؛ مانند اینکه یک شکستگی جزئی و ناچیز در برخی اضلاع یا زوائد مهره اتفاق بیفتد.^۱ این فرض در ماده ۶۴۷ بیان نشده و مسکوت مانده است.

معیار درمان از جهت قابلیت یا وقوع

یکی از پرسش‌های مهم در مبحث درمان این است که مقصود از درمان شکستگی چیست؟ قابلیت درمان یا وقوع و فعلیت آن؟

توضیح آنکه به طور طبیعی، التیام شکستگی و درمان آن نیازمند گذر زمان است. در بیشتر

۱. از نظر نویسندگان، این فرض، مصداق «کسر الظهر» نیست و اطلاق روایات شکستگی ظهر، شامل این فرض نمی‌شود. بنابراین آنچه در متن آمده، مبتنی بر این است که فرض چهارم نیز مصداق شکستگی ستون فقرات باشد.

موارد، کارشناس می‌تواند زمان تقریبی را برای درمان تعیین کند. حال ممکن است فردی که دچار شکستگی ستون فقرات شده است، پیش از گذشتن این مدت فوت کند. اگر مقصود از «جبر» یا «درمان» در فقه و قانون، فعلیت درمان باشد، باید حکم به دیه تعیین شده برای فرض عدم درمان شود. به عنوان نمونه، اگر ستون فقرات شکسته شده و پیش از درمان، فرد آسیب دیده - به دلیل دیگری جز شکستگی - فوت کند، باید حکم به دیه کامل شود. اما اگر مقصود از درمان شکستگی، قابلیت درمان باشد، چنانچه احراز شود که شکستگی به گونه‌ای بوده که قابل درمان بوده و با گذشت زمان التیام پیدا می‌کرده، حکم به صد دینار می‌شود.^۱

الف) معیار فقهی

از آنجا که غالب الفاظ، ظهور در فعلیت دارند، شاید در نگاه نخست از روایات استفاده شود که مقصود از «جبر»، جبر فعلی است؛ یعنی از عبارت «إِنْ كُسِرَ الصُّلْبُ فَجَبْرٌ عَلَى غَيْرِ عَثَمٍ وَلَا عَيْبٍ فَلَيْتُهُ مِائَةُ دِينَارٍ فَإِنْ عَثَمَ فَلَيْتُهُ أَلْفُ دِينَارٍ»، جبر فعلی و عثم فعلی فهمیده می‌شود. بنابراین اگر شکستگی التیام یافت (نه اینکه اگر قابلیت التیام داشت)، دیه آن صد دینار است. همچنان که در نقطه مقابل، مقصود از «عثم»، عثم فعلی است؛ یعنی اگر شکستگی به گونه‌ای بود که بهبودی بی نقص و عیب پیدا نکرد، بلکه التیام همراه با کجی استخوان یا ورم بود (نه اینکه قابلیت کجی و ورم داشته باشد)، حکم به هزار دینار می‌شود.

اما به نظر می‌رسد این برداشت نادرست است. اگرچه تعیین میزان دیه، توقیفی و وابسته به نص شرعی است، اما از روایات متعدد باب دیات استفاده می‌شود که میزان دیه در قبال نوع جنایت و به تناسب شدت و ضعف جنایت است. این ادعا در مقادیر وارده نسبت به انواع صدمات، به وضوح قابل مشاهده است. به عنوان نمونه، در جنایات دامغه، مأوممه، منقله و هاشمه سر، میزان دیه به ترتیب از بیشترین مقدار به سمت کمترین مقدار است.^۲ همین شیوه در تعیین میزان دیه خرد شدن استخوان، شکستن استخوان، ترک برداشتن استخوان و در رفتن

مباحثات
پژوهش‌های فقهی

روابط تعیین دیه و ارش در فرض درم: شکستگی فقرات

۱. یکی از پرسش‌های واصل به مرکز مطالعات پزشکی قانونی استان قم در رابطه با صدمات ستون فقرات، که مرتبط با این بحث است: «چنانچه قبل از گذشت زمان متعارف برای التیام شکستگی مهره (ستون فقرات) مصدوم فوت کند دیه شکستگی ستون فقرات ۱۰٪ است یا ۱۰۰٪؟»
۲. حلی، شرائع الإسلام، ج ۴، صص ۲۵۹-۲۶۰.

مفصل استخوان قابل مشاهده است. از این رو دیه ترک برداشتن استخوان، بیش از دیه در رفتگی، دیه شکستن بیش از ترک برداشتن، و دیه خرد شدن بیش از دیه شکستن تعیین شده است.^۱ همچنان که در تعیین میزان دیه در انواع جراحات مانند متلاحمه، باضعه، دامیه و حارصه نیز به همین منوال است.^۲

در بحث کنونی نیز با لحاظ همین نکته، دیه شکستن ستون فقرات در فرض عدم درمان، بیش از فرض درمان تعیین شده است. درمان و عدم درمان شکستگی، کاشف از میزان شدت صدمه و جنایت است؛ از این رو این نکته که میزان دیه بر اساس شدت و ضعف جنایت تعیین شده است، قرینه‌ای است بر اینکه در اینجا، قیود یادشده جنبه کاشفیت دارند. به بیان دیگر، قید درمان و عدم درمان، کاشف از شدت جنایت و به تبع آن مقدار دیه است، نه اینکه مؤثر فعلی باشد. بنابراین، برداشت عرفی از روایت این است که با شکستن ستون فقرات، دیه ثابت می‌شود و میزان آن وابسته به قابلیت درمان و عدم درمان است. اگر شکستگی به قدری شدید است که قابل درمان نیست، از هم‌اکنون هزار دینار ثابت است و اگر شکستگی به گونه‌ای است که قابل درمان است، صد دینار ثابت است.

آراء فقیهان

ماجتا

در متون فقهی نسبت به موضوع «درمان شکستگی»، سخنی یافت نشد؛ اما درباره جنایت موجب زوال منفعت، این فرع فقهی مطرح شده است که هرگاه جنایت سبب زوال منفعتی (مثل شنوایی یا بینایی) شود و پیش از گذشت زمانی که برای برگشت یا عدم برگشت آن منفعت لازم بوده است، مجنی علیه بمیرد، وضعیت دیه چگونه است؟

شیخ طوسی بر این باور است که اگر برگشتن منفعت محرز نبوده، حکم به دیه کامل در قبال منفعت می‌شود و نمی‌توان به مجرد احتمال اینکه اگر مرگ اتفاق نمی‌افتاد شاید منفعت برمی‌گشت، حکم به دیه را منتفی دانست.^۳ ظاهر این سخن آن است که اگر احراز شود که در صورت حیات مجنی علیه منفعت برمی‌گشت، حکم به دیه منتفی بوده و حکم به ارش

۱. طوسی، تهذیب، ج ۱۰، صص ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۶، ۳۰۷.
 ۲. همان، ج ۱۰، ص ۲۹۰؛ تنقیح مبانی الأحکام، صص ۲۶۹-۲۷۳.
 ۳. طوسی، المبسوط، ج ۷، صص ۹۸ و ۱۲۸.

می‌شد؛ همچنان‌که در بحث کندن دندان شیری کودک تصریح کرده است که اگر کودک پیش از رویش دندان جدید، از دنیا برود، حکم به دیه کامل دندان نمی‌شود؛ زیرا به طور عادی و طبیعی، اگر کودک زنده می‌ماند، دندان او دوباره می‌روید.^۱ صاحب جواهر نیز هر چند در بحث زوال شنوایی در این فرض، حکم به دیه کرده است،^۲ اما در زوال عقل، بحث نموده که حکم به ثبوت دیه در فرضی است که از سخن کارشناس، علم به برگشت عقل پیدا نشود.^۳ در مقابل، برخی دیگر معتقدند که در صورتی که مجنی علیه پیش از برگشت منفعت بمیرد، دیه کامل منفعت به او تعلق می‌گیرد.^۴ آقای فاضل لنکرانی در تعلیل تعلق دیه کامل به زوال بویایی که در فرضی که مجنی علیه پیش از مدت معین شده برای برگشت بویایی بمیرد، می‌گوید: «زیرا فرض این است که منفعت بویایی او تا آخر عمر از بین رفته است.»^۵ در هر صورت آنچه در متون فقهی مطرح شده، ناظر به زوال منفعت است. در زوال منفعت سخن از زوال دائمی یا موقت منفعت است؛ از این رو ممکن است گفته شود با مرگ مجنی علیه روشن می‌شود که زوال منفعت دائمی بوده و تا آخر عمر ادامه داشته است. بر خلاف شکستن استخوان که بحث از شکستن دائمی و موقت نیست؛ بحث از التیام همراه با عیب استخوان و عدم التیام است.

در میان استفتائات نیز نزدیک‌ترین پرسش به موضوع بحث، دو استفتاء ذیل است:

«سؤال: با توجه به اینکه دیه شکستگی استخوان هر عضوی که دیه معین دارد، خمس دیه آن عضو است و اگر بدون عیب معالجه شود، - (چهار پنجم) دیه شکستگی استخوان تعلق می‌گیرد، حال بفرمایید: اگر مصدوم در طول درمان و پیش از مدتی که لازم است سپری شود تا با عیب یا بدون عیب بهبود یابد، به علل دیگری فوت نماید، دیه وی چه مقدار است؟ آیه الله بهجت: احتیاطاً مصالحه کنند.»

۱. همان، ج ۷، ص ۱۴۰.

۲. نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۳، ص ۲۹۸.

۳. همان، صص ۲۹۶.

۴. حلی، شرائع الإسلام، ج ۴، ص ۲۵۶؛ همو، قواعد الأحكام، ج ۳، ص ۶۸۸؛ خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۹۰.

۵. لنکرانی، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیله - الدیات، ص ۲۴۰.

آیه الله فاضل لنکرانی: اگر اهل فن بگویند که در صورت عدم فوت بهبودی کامل پیدا می کرد همان دیه خوب شدن بدون عیب را دارد، و در صورت شک مصالحه نمایند.

آیه الله مکارم شیرازی: قدر متیقن را می گیرند، یعنی چهار پنجم [از یک پنجم].

آیه الله موسوی اردبیلی: آنچه ذکر شده بر مبنای مشهور است که مورد قبول این جانب نیست ولی بر حسب قول مشهور... چنانچه بهبودی کامل حاصل نشده و سپس مصدوم به علت دیگری فوت کرده، دیه چهار پنجم دیه شکستگی استخوان است و بهبودی ناقص در حکم عدم بهبودی است؛ چون فقط بهبودی کامل موجب کسر دیه قرار داده شده است.

آیه الله نوری همدانی: باید یک پنجم دیه آن عضو را بدهد.^۱

همچنان که مشاهده می شود نظر فقیهان معاصر نیز مختلف است و در مسأله اتفاق نظر وجود ندارد. علاوه بر اینکه مورد سؤال، شکستگی در غیر ستون فقرات است. در هر صورت از پاسخ آقایان فاضل لنکرانی و مکارم شیرازی استفاده می شود که معیار در محاسبه دیه، قابلیت درمان است، نه درمان فعلی.

همچنین در رابطه با عدم اقدام درمانی در شکستگی استخوان ها، استفتاء شده است:

«سؤال: در شکستگی استخوان ها مراد از اینکه با نقص بهبود یابد، آیا این است که اقدامات درمانی صورت پذیرد ولی با وجود آن ناقص شود؛ یا اینکه حتی موردی را که مصدوم عمداً برای درمان عضو صدمه دیده اقدامی نمی کند و منجر به نقص عضو می شود را هم شامل می شود؟

آیه الله مکارم شیرازی: در صورتی که از درمان های عادی خودداری کند مشمول حکم نقص نیست.»^۲

از پاسخ اخیر نیز استفاده می شود که آنچه معیار در التیام و بهبودی شکستگی است، التیام فعلی نیست؛ بلکه قابلیت التیام است. ازاین رو در مورد سؤال، با وجود آنکه به دلیل عدم اقدام درمانی، شکستگی با نقص بهبود یافته، حکم نقص جاری نشده است.

۱. گنجینه استفتائات قضایی، استفتاء شماره ۳۶۷.

۲. همان، استفتاء شماره ۸۰۸۹.

ب) معیار قانونی

در قانون مجازات اسلامی، ماده صریحی درباره اینکه میزان در تعیین دیه، قابلیت درمان است یا وقوع خارجی درمان، وجود ندارد. از این رو اظهار نظر جزمی در اینجا مشکل است. ممکن است ادعا شود ظاهر ماده ۶۴۷ در بندهای متعدد، این است که معیار وقوع درمان است، نه قابلیت درمان:

«الف- شکستن ستون فقرات در صورتی که اصلاً درمان نشود و یا پس از علاج به صورت خمیده درآید، موجب دیه کامل است.

ب- شکستن ستون فقرات که بی عیب درمان شود ولی موجب از بین رفتن یکی از منافع گردد... موجب دیه کامل است.

پ- شکستن ستون فقرات که درمان نشود و موجب عوارض... شود، علاوه بر دیه کامل شکستگی ستون فقرات، موجب دیه یا ارش هریک از عوارض حاصله نیز است.

ت- شکستن ستون فقرات که بدون عیب درمان شود، موجب یک دهم دیه کامل است.»

با تأکید بر این نکته که اگر مقصود از درمان در بندهای بالا، قابلیت درمان بود، نیاز به اضافه کردن قید بود؛ مثلاً به جای عبارت «شکستن ستون فقرات در صورتی که امکان درمان نداشته باشد...»، لازم بود از عبارت «شکستن ستون فقرات اگر قابل درمان باشد...» استفاده شود.

افزون بر این، شاید بتوان از ماده ۶۷۲ نیز برای تقویت ادعا کمک گرفت:

«ماده ۶۷۲- در مواردی که نظر کارشناسی بازگشت منفعت زایل یا ناقص شده در مدت معینی باشد، چنانچه مجنی علیه پیش از مدت تعیین شده فوت کند، دیه ثابت می شود.»

هرچند این ماده ذیل قواعد عمومی دیه منافع آمده است و درباره منافع از بین رفته است، اما با این حال می توان آن را شاهی بر مدعا دانست. در عین حال همچنان نمی توان به طور جزمی گفت از نظر قانون، معیار، وقوع درمان است نه قابلیت درمان؛ زیرا از برخی دیگر از مواد قانونی استفاده می شود که معیار قابلیت درمان است:

«ماده ۵۸۰- تشخیص روییدن و روییدن مو با کارشناس مورد وثوق است. چنانچه نظر کارشناس بر روییدن باشد و دیه پرداخت شود، ولی پس از آن خلاف نظر او ثابت گردد، باید مازاد بر ارش یا یک سوم دیه و یا مهرالمثل، حسب مورد به پرداخت کننده دیه، مسترد شود و اگر نظر کارشناس بر روییدن باشد و ارش یا یک سوم دیه و یا مهرالمثل، حسب مورد پرداخت

شود ولی خلاف نظر او ثابت گردد، باید مابه‌التفاوت آن پرداخت شود.

ماده ۶۷۴- هرگاه در مهلتی که به طریق معتبری برای بازگشت منفعت زایل یا ناقص شده، تعیین گردیده، عضوی که منفعت، قائم به آن است از بین برود، به عنوان مثال چشمی که بینایی آن به طور موقت از بین رفته است، از حدقه بیرون بیاید، مرتکب، فقط ضامن ارش زوال موقت آن منفعت است؛ و چنانچه از بین رفتن آن عضو به سبب جنایت شخص دیگر باشد مرتکب دوم، ضامن دیه کامل آن عضو می‌باشد.»

از دو ماده اخیر، خصوصاً ماده ۶۷۴، استفاده می‌شود که معیار در تعیین دیه، قابلیت بهبودی است. علاوه بر این، استشهاد به ماده ۶۷۲ نیز برای تقویت ادعای سابق (اینکه وقوع بهبودی معیار است، نه قابلیت آن) نادرست به نظر می‌رسد؛ زیرا - خصوصاً به قرینه دو ماده اخیر - به نظر می‌رسد دلیل حکم به دیه زوال منفعت در جایی که فرد پیش از گذشت مدت درمان فوت کرده، این است که جانی سبب زوال منفعت در مجنی علیه شده و این زوال منفعت تا پایان عمر مجنی علیه باقی بوده است.

به بیان دیگر، زوال منفعت دو فرض دارد: گاهی در دوران حیات مجنی علیه، دوباره منفعت برمی‌گردد؛ در اینجا تنها ارش زوال منفعت به حسب مدت زمانی که فاقد منفعت بوده، محاسبه می‌شود. گاهی نیز این زوال منفعت تا پایان عمر مجنی علیه باقی است (فرقی نمی‌کند چه مقدار از عمر مجنی علیه باقی مانده باشد؛ ده سال، یا بیشتر یا کمتر). در این صورت اخیر، حکم دیه به حسب زوال منفعت دائمی صادر می‌شود.

برخی از فقیهان نیز طرفدار این نظر هستند؛ به عنوان نمونه، علامه حلی می‌گوید اگر شنوایی از بین برود ولی اهل خبره بگویند پس از مدتی برمی‌گردد، منتظر می‌مانند؛ اگر در مدت تعیین شده بازنگشت، حکم به دیه کامل می‌شود و اگر شنوایی در اثنای مدت بازگشت، حکم به ارش می‌شود و اگر مجنی علیه در این اثنا فوت کرد، اقرب این است که حکم به دیه کامل منفعت می‌شود^۱ (هرچند این سخن از نظر فقهی، محل تردید است). اگر این تحلیل، مستفاد از ظاهر ماده - با لحاظ بقیه مواد قانونی - نباشد، حداقل این است که این تحلیل نیز محتمل است. بنابراین ماده ۶۷۲ نیز ظهوری در ادعای مذکور ندارد.

۱. حلی، قواعد الأحکام، ج ۳، ص ۶۸۵؛ همو، تحریر الأحکام، ج ۲، ص ۲۷۵.

نتیجه اینکه به لحاظ مواد قانونی به طور جزئی نمی‌توان گفت آنچه معیار است، قابلیت درمان است یا وقوع خارجی درمان؟ هرچند به حسب ظاهر ماده ۶۷۴، احتمال دوم (معیار بودن قابلیت درمان) قوی‌تر به نظر می‌رسد.

خارج ساختن مهره از بدن

گاهی شدت شکستگی به حدی است که امکان التیام و جوش خوردن ناحیه شکسته وجود ندارد و به سبب عواقب ناشی از آن یا به منظور جایگزینی قطعه شکسته از ستون فقرات با قطعه جایگزین، لازم است مهره شکسته شده از بدن خارج شود.

برخی از نویسندگان درباره «خارج کردن مهره به علت شدت صدمات»، معتقد به تعیین ارش به میزان یک دیه کامل شده و در توضیح آن می‌گویند:

«حکم این مورد، نه در فقه و نه در حقوق موضوعه بیان نشده است. برای کشف جبران خسارت این گونه صدمه، می‌توان با توجه به نکات زیر حکم آن را به دست آورد: اگر برای جبران خسارت صدمه‌ای دیه مقدر وجود نداشته باشد، برای آن ارش تعیین می‌شود. ارش صدمه فاقد دیه مقدر می‌بایست بیش از صدمه ضعیف‌تری باشد که دارای دیه مقدر است. در هر حال، ارش یک صدمه بیش از دیه کامل نخواهد بود. بنابراین از آنجا که برای این صدمه، دیه مقدر وجود نداشته و شدت صدمه خارج کردن مهره بیش از سایر صدمات مذکور برای ستون فقرات است و برای صدمه شکستگی بدون بهبودی، قائل به دیه کامل هستیم، بنابراین در این صدمه نیز می‌بایست ارش معادل دیه کامل در نظر گرفته شود.»^۱

به نظر می‌رسد در سخن بالا میان «صدمه» و «درمان» خلط شده است. بیرون آوردن مهره به علت شدت صدمات، آسیب نیست؛ بلکه بخشی از اقدام درمانی در واکنش به آسیب وارد شده است. همچنان که در این متن نیز تأکید شده است، گاهی شدت شکستگی صدمات مهره به اندازه‌ای است که امکان ترمیم استخوان وجود ندارد؛ مثلاً مهره به قدری خرد شده که جوش خوردنش غیرممکن است و ابقای آن نیز مضر است. در اینجا پزشک ناچار می‌شود مهره درهم شکسته و فاسد شده را از بدن خارج کند.

۱. شاکر، صدیق آخا، «تأملی در دیه صدمات وارده به ستون فقرات»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال ششم، شماره ۲۳، تابستان ۱۳۹۷، ص ۲۷۴.

پیش از خارج سازی، به این شکستن مهره که قابل ترمیم نبوده - با فرض اینکه شکستن ناشی از جنایت است - یک دیه کامل تعلق گرفته است. حال اگر پزشک به دلیل عدم قابلیت التیام و عوارض سوء ابقاء آن، مهره خرد شده را از بدن خارج کند، این خارج سازی مهره، مصداق اقدام درمانی است و آسیب دیگری محسوب نمی شود. از این رو معقول نیست که به دیه کامل مذکور، دیه یا ارش دیگری نیز افزوده شود.

بنابراین بیرون آوردن مهره ستون فقرات با جابه جایی استخوان که در روایات - حسب مورد - با تعبیر «نقل العظام» و «فک العظام» آمده و برای آن دیه جداگانه در نظر گرفته شده است، تفاوت دارد. جابه جایی استخوان، در موردی است که استخوان بر اثر شکستگی یا در رفتگی از موضع خود حرکت کرده و جابه جا می شود. این وضعیت، آسیب محسوب شده و نیاز به درمان دارد؛ از این رو برای آن دیه در نظر گرفته شده است. اما خارج ساختن استخوانی که فاسد شده و قابل ترمیم نیست، مصداق اقدام درمانی در قبال آسیب است، نه خود آسیب.

از مطالب بالا روشن می شود که تعیین ارش برای خارج کردن مهره به میزان یک دیه کامل، نادرست است؛ زیرا با چشم پوشی از خارج سازی مهره، خود شکستگی، دارای دیه مقدر است: در فرض بهبودی، صد دینار و در فرض عدم بهبودی، هزار دینار. در فرضی که شکستگی به قدری شدید باشد که امکان التیام و جوش خوردن استخوان نباشد، حکم به دیه کامل می شود. حال ممکن است از نظر پزشکی، چاره کم کردن آسیب های ناشی از شکستگی، در خارج ساختن مهره از بدن باشد؛ این خارج کردن مهره خرد شده موجب افزوده شدن هزار دینار دیگر به عنوان ارش به دیه شکستگی بهبود نیافته، نمی شود.

بله، ممکن است خارج سازی مهره موجب بروز عوارضی شود که پیش از این وجود نداشت؛ مثلا سبب ناتوانی در نشستن شود. به طور قهری، این گونه صدمات نیز ممکن است مشمول دیه یا ارش باشد، اما تعلق دیه یا ارش به برخی عوارض ناشی از خارج سازی مهره، غیر از تعلق دیه یا ارش به نفس خارج سازی مهره است.

بنابراین اگر پیش از خارج کردن مهره شکسته، عوارضی مانند عدم توان نشستن حادث شده و سپس به دلیل شدت شکستگی و فساد، اقدام به خارج کردن مهره شود، بی آنکه خارج سازی سبب وقوع عارضه جدیدی شود، حکم سابق همچنان باقی است. یعنی اگر شکستگی سبب خمیدگی یا زوال یک منفعت شده، تنها یک دیه واجب است و اگر بیش از یک منفعت زائل

شده، برای سایر منافع نیز دیه جداگانه در نظر گرفته می‌شود. اما اگر خارج سازی مهره، خود، سبب بروز عوارض شود (مانند اینکه خارج سازی مهره سبب خمیدگی یا عدم توان نشستن شود)، در صورتی که خارج کردن مهره امری ضروری و ناگزیر بوده و به سبب شکستگی و فساد مهره باشد، عوارض ناشی از آن ملحق به عوارض شکستگی است. بنابراین میزان دیه با ملاحظه شکستگی مهره و مجموع عوارض حاصل پس از خارج سازی مهره، محاسبه می‌شود.

جایگزینی مهره با پروتز

خارج سازی مهره ستون فقرات ممکن است همراه با جایگزینی آن با قطعه دیگر باشد. در اینجا ممکن است این تعویض و جایگزینی مهره، موجب تأمل در میزان دیه‌ای شود که پیش از این تعیین شده بود؛ زیرا جایگزینی مهره با قطعه مشابه -هرچند از جنس دیگری مانند فلز باشد- سبب می‌شود که همه کارکردها یا بخش مهمی از کارکردهای مهره از بین رفته، بازیابی شود.



پرسش زیر که به دفتر مطالعات پزشکی قانونی مطرح شده، به وضوح بر همین مسئله تمرکز دارد:

«چنانچه متعاقب خردشدگی یک مهره، اقدام به خارج سازی بخش کوچکی از مهره یا خارج سازی کامل یک مهره و تعویض آن با یک قطعه فلزی یا غیرفلزی که از نظر ظاهری شبیه مهره است گردد، به گونه‌ای که اختلال در عملکرد ستون فقرات یا ارتفاع آن ایجاد نکند، آیا این وضعیت مصداق «درمان شدن»، «درمان نشدن» یا «با عیب درمان شدن» ستون فقرات است؟»

در باره خصوص این مسأله، رأی و نظری از فقیهان یافت نشد؛ اما نزدیک‌ترین پرسش به آنچه در اینجا مطرح شد، شاید استفتائی باشد که در ادامه نقل می‌شود:

«استفتاء: شکستگی مهره به وسیله درمان‌های امروزی مانند استفاده از تزریق سیمان و یا تثبیت مهره با پیچ و میله و غیره از نظر پزشکی درمان پذیرفته است. چنین موردی آیا عدم درمان شکستگی مهره‌ها و موضوع دیه کامل است یا درمان محسوب می‌گردد و موضوع ده صدم دیه؟»

آیه الله شبیری زنجانى: ديه كامل.^۱

آیه الله سبحانى: اگر به هر نحوى به حالت اول برگردد، ديه آن صد دينار است.^۲

برای پاسخ به این پرسش مناسب است فرض های گوناگون این صورت جداگانه بررسی شود:

الف. عدم تغییر در میزان عوارض شکستگی: اگر پس از خارج کردن مهره شکسته و تعویض آن، همچنان عوارض پیشین باقی باشد و تغییری در افزایش یا کاهش صدمات اتفاق نیفتد، میزان ديه همان است که پیش از تعویض مهره ثابت شده بود؛ زیرا پیش از این گفته شد که خارج سازی مهره درهم شکسته شده و فاسدی که قابلیت ترمیم و جوش خوردن ندارد، آسیب محسوب نمی شود تا ديه مستقلى برای آن تعیین شود.

ب. کاهش عوارض ناشی از شکستگی: اگر پس از تعویض مهره، عوارض و زوال منافع ناشی از شکستگی همچنان باقی است اما میزان آن کاهش پیدا کرده است (مانند اینکه شکستگی و خرد شدن مهره سبب از دست رفتن توان نشستن، راه رفتن و انزال شده بود و با تعویض مهره، توان نشستن بازیابی شود اما همچنان توان راه رفتن و انزال نداشته باشد). در اینجا میزان ديه بر اساس شکستگی التیام نیافته همراه با عوارض فعلی محاسبه می شود؛ زیرا اختصاص ديه به زوال منافع، منوط به زوال دائمی منافع است، نه زوال موقت منافع. به همین خاطر در برخی روایات نیز نسبت به برخی منافع اشاره شده است که تا یک سال باید منتظر ماند تا شاید عقل یا بینایی برگردد.^۳ بنابراین نسبت به عوارض و زوال منافع که بر اثر شکستگی مهره اتفاق افتاده و سپس با درمان و استفاده از پروتز برطرف شده است، حکم به ارش می شود.

ج. افزایش عوارض ناشی از شکستگی: ممکن است خارج سازی مهره و تعویض مهره، موجب افزایش عوارض شود. این عوارض جدید نیز مشمول ديه است، اما شیوه محاسبه و مسئول پرداخت ديه، وابسته به این است که ابتدا تعیین شود این عوارض جدید مستند به چیست؟

۱. شماره ۱۷۹۳۱، تاریخ استفتاء ۱۴۰۳/۲/۴.

۲. شماره ۱۵۸۸۹، تاریخ استفتاء ۱۴۰۳/۲/۴.

۳. کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۳۱۴: «يُنْتَظَرُ بِهَا سَنَةٌ فَإِنْ رَجَعَ طَمُثُهَا إِلَى مَا كَانَ...»؛ همان، ص ۳۲۵: «فَإِنَّهُ يُنْتَظَرُ بِهِ سَنَةٌ... وَإِنْ لَمْ يَمُتْ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ السَّنَةِ وَلَمْ يَرْجِعْ إِلَيْهِ عَقْلُهُ...»؛ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۱۳۴: «سَأَلْتُهِ عَنِ الْعَيْنِ يَدْعِي صَاحِبَهَا أَنَّهُ لَا يُبْصِرُ بِهَا قَالَ يُوجَلُّ سَنَةً...».

اگر مستند به شکستگی و خرد شدن مهره باشد، قواعد پیش گفته در رابطه دیه عوارض ناشی از شکستگی، در اینجا جاری است.

اما اگر عوارض جدید مستند به شکستگی نیست و صرفاً به دلیل خارج سازی مهره و تعویض مهره است (یعنی به دلیل سوء درمان و یا سبب دیگر، این عوارض واقع شده است)، در اینجا بر حسب مورد، میزان دیه عوارض یاد شده، با قطع نظر از شکستگی محاسبه شده و بر اساس قواعد ضمان دیه، مسئول پرداخت دیه (پزشک مباشر، ولی بیمار، یا عدم ضمان در صورت اقدام بیمار و ابراء پزشک) تعیین خواهد شد.

د. بهبودی و از بین رفتن عوارض شکستگی: در این فرض باید میان دیه شکستگی و دیه زوال منافع ناشی از آن فرق گذاشت. نسبت به دیه شکستن مهره ستون فقرات که به سبب شدت آسیب و عدم امکان التیام، موجب خارج سازی و تعویض مهره شده است، دیه کامل ثابت است. مستند حکم به لحاظ فقهی روایات خاصه و به لحاظ قانونی، بند «الف» ماده ۶۴۷ است.

ممکن است در این فرض، به جهت اینکه با تعویض بخشی از ستون فقرات، ضایعه و نقص پیش آمده جبران شده و عملکرد سابق ستون فقرات بازیابی شده است، تمایل به این نظر پیدا شود که این وضعیت، مصداق درمان کامل ستون فقرات بوده و قهراً حکم به دیه کامل منتفی است؛ بلکه از نظر فقهی به استناد روایت ظریف و از نظر قانونی به استناد بند «ت» ماده ۶۴۷، باید حکم به صد دینار شود.

اما این رأی نادرست است؛ زیرا آنچه در حدیث ظریف موضوع برای حکم به صد دینار قرار گرفته، ترمیم و التیام استخوان شکسته (جبر العظم) است. ظهور بند «ت» ماده ۶۴۷ نیز با توجه به آنچه در بند «الف» و «ب» آمده است، در التیام و جوش خوردن مهره استخوانی است و شامل خارج سازی و تعویض مهره با قطعه دیگر نمی شود. بنابراین بقای دیه سابق در اینجا نظیر بقای دیه در فرض پیوند عضو است که در ماده ۵۷۵ آمده است (پیوند خوردن عضو پس از جنایت تأثیری در دیه ندارد). یعنی همچنان که پیوند عضو، نافی موضوع دیه (قطع عضو) نیست، در اینجا نیز جایگزینی پروتز به جای مهره، نافی موضوع (شکستگی استخوان به نحوی که غیر قابل التیام باشد) نیست.

اما نسبت به عوارض ناشی از شکستگی که با جایگزینی پروتز، بهبودی پیدا کرده و مرتفع

شده است، مانند اینکه پیش از این توانایی نشستن نداشت، اما با جایگزینی پروتز به جای مهره، توانایی نشستن را باز یابد، همان طور که پیش از این گذشت، به نظر می‌رسد که حکم به دیه منتفی است؛ زیرا فرض این است که منافع مذکور به طور دائمی از بین نرفته، بلکه تنها برای مدت محدودی از بین رفته و پس از آن دوباره بازگشته است. از این رو نسبت به مدتی که فرد فاقد منفعت بوده، حکم به ارش می‌شود. همچنین اگر عارضه به طور کامل برطرف نشده اما تا حدودی بهبودی پیدا کرده است، بسته به میزان عارضه و بهبودی، حکم به ارش می‌شود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مقصود از «جبر» در روایات بیان‌گر میزان دیه شکستن استخوان و نیز «درمان» در ماده ۶۴۷، التیام استخوان شکسته است. همچنین، مقصود از فاقد «عظم» و «عیب» بودن، این است که ناحیه شکسته شده بدون انحراف و نقص، التیام یافته باشد؛ بنابراین این عنوان شامل عوارض ناشی از شکستگی در سایر نقاط نمی‌شود.

معیار در تعیین میزان دیه، قابلیت یا عدم قابلیت درمان (التیام) شکستگی است، نه وقوع فعلی آن. در صورتی که احراز شود شکستگی قابل درمان است، هرگاه فرد آسیب‌دیده پیش از گذشت زمان مورد نیاز برای درمان وفات کند، میزان دیه بر اساس فرض درمان (صد دینار) تعیین می‌شود.

ماجتا
پروژه‌های علمی

خارج ساختن مهره خرد شده‌ای که قابلیت التیام ندارد و بقای آن مضرّ است، مصداق آسیب نیست؛ بلکه مصداق درمان است و مشمول دیه یا ارش جداگانه نیست. جایگزینی مهره با پروتز، دارای فروض متعددی است؛ ضابطه کلی این است که اگر جایگزینی سبب افزایش عوارض شود، ثبوت دیه و مسئولیت آن، حسب مورد متفاوت است و ممکن است متوجه جانی و در پاره‌ای از موارد، پزشک شود. همچنین در صورتی که جایگزینی پروتز موجب انتفای برخی عوارض شود، قهراً دیه آن عوارض و زوال منافع منتفی بوده و حکم به ارش می‌شود. در موارد کاهش عوارض نیز حسب مورد، میزان دیه یا ارش کاهش خواهد یافت.

فصل نهم، شماره ۱۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۴

منابع و مآخذ

* قرآن کریم.

۱. ابن درید، محمد بن حسن، **جمهرة اللغة**، بیروت: دار العلم للملایین، چ ۱، ۱۹۸۸ م.
۲. ابن سیده، علی بن اسماعیل، **المحکم و المحيط الأعظم**، تصحیح: عبد الحمید هنداو، بیروت: دار الکتب العلمیة، چ ۱، ۱۴۲۱ ق.
۳. ابن فارس، احمد، **معجم مقاییس اللغة**، عبدالسلام محمد هارون، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چ ۱، ۱۴۰۴ ق.
۴. ازدی، عبدالله بن محمد، **کتاب الماء**، تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران- مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، چ ۱، ۱۳۸۷ ش.
۵. ازهری، محمد بن احمد، **تهذیب اللغة**، قم: دار إحياء التراث العربی، چ ۱، ۱۴۲۱ ق.
۶. اصفهانی، راغب، **مفردات ألفاظ القرآن**، لبنان: دار العلم، چ ۱، ۱۴۱۲ ق.
۷. بستانی، فؤاد افرام، **فرهنگ ابجدی**، تهران: نشر اسلامی، چ ۲، ۱۳۷۵ ش.
۸. تبریزی، جواد، **تنقیح مبانی الاحکام- کتاب الدیات**، قم: دار الصدیقه الشهیده، چ ۱، ۱۴۲۸ ق.
۹. جزری، مبارک بن محمد ابن اثیر، **النهاية في غريب الحديث و الأثر**، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چ ۱، [بی تا].
۱۰. جوهری، اسماعیل بن حماد، **صاح اللغة**، تصحیح: احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دار العلم للملایین، چ ۱، ۱۴۱۰ ق.
۱۱. حلّی، حسن بن یوسف، **تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة**، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، چ ۱، ۱۴۲۰ ق.
۱۲. _____، **قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام**، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۴۱۳ ق.
۱۳. حمیری، نشوان بن سعید، **شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم**، بیروت: دار الفکر المعاصر، چ ۱، ۱۴۲۰ ق.
۱۴. خمینی، روح الله، **تهذیب الأصول**، تقریر: جعفر سبحانی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ ۱، ۱۴۲۳ ق.
۱۵. زمخشری، محمود بن عمر، **أساس البلاغة**، بیروت: دار صادر، چ ۱، ۱۹۷۹ م.
۱۶. _____، **مقدمة الأدب**، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران، چ ۱، ۱۳۸۶ ش.

مجموعه

چاپ و نشر در فرقه در علم شکیستی فخران

۱۷. شاکر، محمدحسین، صديق آخا، حميد، «تأملی در دیه صدمات وارده به ستون فقرات»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال ششم، شماره ۲۳، تابستان ۱۳۹۷ ش.
۱۸. شیبانی، اسحاق بن مرار، کتاب الجیم، قاهره: الهيئة العامة لشئون المطابع الأميرية، چ ۱، ۱۹۷۵ م.
۱۹. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، احمد حسینی، تهران: کتابفروشی مرتضوی، چ ۳، ۱۴۱۶ ق.
۲۰. طوسی، محمدبن حسن، المبسوط في فقه الإمامية، محمدتقی کشفی، قم: المكتبة المرتضوية، چ ۳، ۱۳۸۷ ق.
۲۱. _____، تهذيب الأحكام، تحقیق: حسن الموسوي الخرسان، تهران: دار الكتب الإسلامية، چ ۴، ۱۴۰۷ ق.
۲۲. _____، رجال الطوسي، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۳، ۱۳۷۳ ش.
۲۳. عاملی، جواد، مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة (چاپ قدیم)، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۲۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، تصحیح: مهدی مخزومی و دیگران، قم: نشر هجرت، چ ۲، ۱۴۱۰ ق.
۲۵. فیروزآبادی، محمدبن یعقوب، القاموس المحيط، بیروت: مؤسسة الرسالة، چ ۸، ۱۴۲۶ ق.
۲۶. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، قم: دار الرضی، چ ۱، [بی تا].
۲۷. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دار الكتب الإسلامية، چ ۶، ۱۴۱۲ ق.
۲۸. قمی، شیخ صدوق، محمدبن علی بن بابویه، من لایحضره الفقیه، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۲، ۱۴۱۳ ق.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الكتب الإسلامية، چ ۴، ۱۴۰۷ ق.
۳۰. گودرزی، فرامرز، کیانی، مهرزاد، پزشکی قانونی، تهران: سمت، چ ۱، ۱۳۸۴ ش.
۳۱. مصری، ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، تصحیح: احمد فارس، لبنان: دار الفكر للطباعة والنشر و التوزيع - دار صادر، چ ۳، ۱۴۱۴ ق.
۳۲. مغربی، نعمان بن محمد ابن حیون، دعائم الإسلام، قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، چ ۵، ۱۳۸۵ ش.
۳۳. نجاشی، احمدبن علی، الرجال (رجال النجاشی)، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، چ ۶، ۱۳۶۵ ش.
۳۴. نرم افزار گنجینه استفتائات قضایی، قم: مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه.
۳۵. هروی، قاسم بن سلام، الغریب المصنف، تصحیح محمد مختار عیبیدی، تونس: المؤسسة الوطنية، چ ۱، ۱۹۹۰ م.